



از جانب اشارت بجانب مکه که در رسیدم که این همه حق خواهد بود  
 گفت رجل من ولد لوی بن غالب یدعونکم الی کلمة للاخلاص  
 عیش للآب و غیره لا یقدر فاصیوه پس گفت اگر حجاب من با وقت  
 ظهور وی زبیدی اول کسی که بوی ایمان آوردی من بودی و  
 پیش از آنکه با وی بیعت کردی رسول صلی الله علیه و آله فرمود  
 که بسنده است آنچه گفتی قس بن ساعده امی بود خدا علی  
 فرزای قیامت و بر آنها برخواهد اینجفت **در روز قیامت**  
 چنین آمده است که یکی از انصار برخواست و گفت من شتر که  
 کرده بودم بطلبی در کوه و بیابان میگشتم شب در آن  
 زمین در وضع اهل بناک بماندم نزدیک بصره تا صبح آواز داد  
**شعر** ایها الراقد فی اللیل الاحسم قد بعثت الهدی فی الحرم  
 من ما شتم اهل الوفا و الکرم یخلو و جبارت الی حاجی و البسم  
 در چند رجوانی اطراف نگاه کردم مجلس ندیدم ختم  
**شعر** یا ایها الهالفت فی داعی الظلم یا ایها و سہلابک من طیف الی  
 بین ہر اک الصدق من الکلم ما ذ الذی یدعو الیہ بعینم ناگاہ او از

که کسی میگوید طهر المنور و بعثت احمد محمد باطون صاحب التبیان  
 والوجه الاغر و الما حریب للاقمرو الطرف الاصح بعد از آن گفت  
 الحمد لله الذی لم یخلق اللئیم عبیدت لم یکننا سدا من بعد سی  
 و اکثرت ارسل فیما احمد اصبر بنی قد بعثت صلی الله علیه و آله لیرک  
 و حثت چون با ما دست از ستادی و سرور شتر خود را فراموش کردم  
 و روان شدم ناگاہ بجای رسیدم دیدم که قس بن ساعده در سایه  
 درختی نشسته است و جوی بدست گرفته بر سنگی بنزد و بر کوبید  
 نزدیک وی فرتم سلام گفت جواب داد دیدم که ای جشمه البیت  
 و مسیبت میان دو قبر و دو شیر بزرگ ایستاده بوی مالند و بوی  
 شترک میجوید یکی از آن مرد و بسوی چشمه آب روان شد ما آب خورد  
 دیگری در عقب وی رفت قس بن ساعده جوی که در دست داشت  
 بردی زد و گفت جندان نیست که آنکه پیش از تو رفته است  
 باز کرد چون وی بازگشت دیگری رفت و آب خورد بعد از آن وی  
 بر رسیدم که این قبرها از آن نیست گفت من دور ادر در شتر که  
 درین کان با من خدا برای بر ستارند و برای شترک می آوردند و

که کسی میگوید